

واکاوی مؤلفه‌های ارتباطی بینامتنیت نفثه/المصدر بر مبنای لایه واژگانی

زهره اکبرپور بقایی، زهره نورائی نیا*، مریم یوزباشی، خدیجه بهرامی رهنما

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

سال نوزدهم، شماره هفتم، مهر ۱۴۰۵، شماره پی در پی ۱۲۵، صص ۱۴۶-۱۲۹

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.19.8269>

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

هدف: نفثه/المصدر از برجسته‌ترین آثار نثر فنی فارسی در قرن هفتم هجری است که از منظر واژگانی، پیوندهای گسترده‌ای با سنت زبانی پیش از خود و نیز متون پس از خود دارد. با وجود پژوهشهای متعدد درباره جنبه‌های تاریخی و ادبی این اثر، مؤلفه‌های ارتباطی بینامتنیت آن در لایه واژگانی تاکنون به‌صورت مستقل و داده‌محور بررسی نشده است. پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تبیین این مؤلفه‌ها و تحلیل جایگاه نفثه/المصدر در انتقال، بازآفرینی، نوآوری و تداوم عناصر واژگانی در متون فارسی انجام شده است.

روشها: این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد تاریخی - بینامتنی، بر پایه پیکره رایانه‌ای گروه فرهنگ‌نویسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی و مطالعه منابع منتخب انجام شده است. بدین منظور واژه‌ها، اصطلاحات، ترکیبات و تعبیرات خاص نفثه/المصدر استخراج و با شواهد متناظر در متون پیشین و پسین مقابله شد تا پیشینه، تداوم، تحول و نوع روابط بینامتنی آنها بررسی و تحلیل شود.

یافته‌ها: تحلیل داده‌ها نشان داد که روابط بینامتنی نفثه/المصدر در لایه واژگانی را میتوان در چهار بخش بررسی کرد: تأثیرپذیری از متون پیشین، ابداع و نوآوری واژگانی، احیا و بازآفرینی واژه‌ها و ترکیبات، و تأثیرگذاری بر متون پسین. همچنین بررسی شواهد نشان داد که بخشی از واژه‌ها و ترکیبات این اثر پیش از نسوی نیز در متون فارسی به کار رفته‌اند و پس از او نیز استمرار یافته‌اند، بخشی با تغییر در ساخت یا معنا بازآفرینی شده‌اند و شماری نیز، در محدوده منابع بررسی‌شده، کاربردی منحصر به فرد دارند.

نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد نفثه/المصدر در لایه واژگانی، نقش مهمی در انتقال، بازآفرینی، نوآوری و تداوم عناصر زبانی میان متون فارسی داشته است. نسوی ضمن بهره‌گیری از میراث واژگانی پیشینیان، با نوآوری در واژه‌سازی، ترکیب‌سازی، بازمعناسازی برخی واژه‌ها و احیای شماری از ساختهای زبانی، در انتقال و تحول بخشی از واژه‌ها و ترکیبهای فارسی در آثار پس از خود نیز نقش داشته است. از این‌رو، نفثه/المصدر افزون‌بر ارزش ادبی و تاریخی، منبعی مهم برای مطالعات تاریخ زبان فارسی، واژه‌شناسی تاریخی و سبک‌شناسی به شمار می‌آید.

تاریخ دریافت: ۱۸ فروردین ۱۴۰۵
تاریخ داوری: ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۵
تاریخ اصلاح: ۰۵ خرداد ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۱۹ تیر ۱۴۰۵

کلمات کلیدی:

نفثه‌المصدر، سبک‌شناسی، نثر فنی، لایه واژگانی، ارتباط، بینامتنیت، مؤلفه‌های بینامتنی.

* نویسنده مسئول:

z.nooraee@iaui.ac.ir

☎ (۰۲۱ ۹۸۸۰۰۰۰۰۰۰)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Analyzing the Communicative Components of the Intertextuality of the *Nafsat al-Masdoor* based on the Lexical Layer

Z. Akbarpour Baghaei, Z. Nooraenia*, M. Youzbashi

Department of Persian Language and Literature, Y.I.C, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 07 April 2026

Reviewed: 10 May 2026

Revised: 26 May 2026

Accepted: 10 July 2026

KEYWORDS

Nafsat al-Masdoor, Stylistics, Technical Prose, Lexical Layer, Communication, Intertextuality, Intertextual Components.

*Corresponding Author

✉ z.nooraie@iaui.ac.ir

☎ (+98)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: *Nafsat al-Masdoor* is one of the most distinguished works of Persian ornate prose (*nathr-e fanni*) from the seventh century AH. From a lexical perspective, it maintains extensive connections with both earlier linguistic traditions and later Persian texts. Although numerous studies have examined the historical and literary aspects of this work, its intertextual components at the lexical level have not yet been investigated independently through a data-driven approach. This study aims to identify and explain these intertextual components and to analyze the role of *Nafsat al-Masdoor* in the transmission, reconstruction, innovation, and continuity of lexical elements in Persian texts.

METHODOLOGY: This descriptive-analytical study adopts a historical-intertextual approach and is based on the computerized corpus of the Lexicography Group of the Academy of Persian Language and Literature, together with selected textual sources. Lexical items, technical expressions, compounds, and distinctive phrases in *Nafsat al-Masdoor* were extracted and systematically compared with corresponding evidence from earlier and later texts in order to examine their origin, continuity, development, and patterns of intertextual relationships.

FINDINGS: The analysis of the data showed that the lexical intertextual relationships in *Nafsat al-Masdoor* can be examined in four categories: influence from earlier texts, lexical innovation, the revival and recreation of words and expressions, and influence on later texts. The findings also showed that some of the words and expressions used in the work had already appeared in earlier Persian texts and continued to be used after Nasawi, some were recreated through structural or semantic modification, and some, within the examined corpus, display unique usage.

CONCLUSION: The findings of the study indicate that, at the lexical level, *Nafsat al-Masdoor* played an important role in the transmission, recreation, innovation, and continuation of linguistic elements across Persian texts. While drawing on the lexical heritage of earlier writers, Nasawi contributed to the transmission and development of Persian vocabulary and expressions in later works through innovations in word formation, compound formation, the semantic renewal of certain words, and the revival of a number of linguistic structures. Therefore, in addition to its literary and historical significance, *Nafsat al-Masdoor* constitutes an important source for studies in the history of the Persian language, historical lexicology, and stylistics.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.19.8269>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 18	 6	 0

مقدمه

نقشه‌المصدر تألیف شهاب‌الدین محمد بن احمد بن علی بن محمد خرندزی زیدری نسوی (فوت: ۶۴۷ق)، منشی آخرین سلطان سلسله خوارزمشاهیان، جلال‌الدین منکبرنی، است که در سال ۶۳۲ قمری در قالب نثر فنی تألیف شده است. این کتاب یکی از شاهکارهای بدیع نثر فنی و از نمونه‌های عالی نثر مصنوع و مزین و منشیانه نیمه اول قرن هفتم به شمار می‌رود که در سراسر کتاب، ویژگیهایی از نثر مرسل و ساده دوره سامانی و غزنوی، همراه با واژه‌ها و ترکیبهای کهن فارسی، دیده می‌شود و در کنار آن، ویژگیهای سبکی دیگری نیز به چشم می‌خورد. این اثر که در بستر فروپاشی فرهنگی ایران بر اثر حمله مغول نگاشته شده است؛ نه تنها از نظر تاریخی، بلکه از منظر ادبی و زبانی نیز جایگاهی ویژه دارد؛ از این رو، وجوه تاریخی - ادبی و ادبی - تاریخی آن در پژوهشهای گوناگون بررسی و تبیین شده است. در مجموع باتوجه به نشانه‌هایی که در متن *نقشه‌المصدر* وجود دارد، اثری ادبی-تاریخی است، چنانکه خواننده با خواندن آن احساس نمیکند در حال مطالعه تاریخ است. بررسی محتوای اثر حاضر نشان میدهد که اگر تنها بخشهای تاریخی آن استخراج شود، از مجموع ۱۲۵ صفحه کتاب، حجم آنها به حدود ۲۰ صفحه نیز نمیرسد. این امر نشان میدهد که نسوی بیش از آنکه تنها به نقل رویدادهای تاریخی بپردازد، به شیوه بیان آنها توجه داشته است؛ بنابراین، با هنجارگریزی، بیانی تازه و ادبی پدید آورده است (ذاکری کیش و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۲۰).

در عصر تألیف این کتاب و پیش یا پس از آن، واژه «تاریخ» عنوان عمومی متون و کتبی است که به زبان ادبی نوشته شده باشند. کتابهای *تاریخ بیهقی*، *تاریخ جهانگشای جوینی*، *تاریخ وصاف*، *تاریخ طبری*، *تاریخ بلعمی* از آن جمله‌اند. انتخاب عنوان کتاب، نشان‌دهنده دغدغه‌ها و عواطف درونی نویسنده است. اگرچه در این عصر، تاریخ‌نگاری از چندین جهت رونق یافته و به موضوع اصلی بسیاری از متون تبدیل شده است، اما نویسنده این اثر، نام کتاب خویش را *نقشه‌المصدر* مینهد، عنوانی که بیانگر دردها و تحسره‌های درونی او و روایتگر بیرون و درون است. همچنین این کتاب اگر فقط کتابی تاریخی بود، اینچنین صنایع بدیع و آرایه‌ها و ویژگیهای زیبایی‌شناسی در آن نمود نداشت (فاضلی و یاسری، ۱۳۹۶، ص ۸۳).

نثر فنی، نثری است که با بهره‌گیری از امکانات و شیوه‌های گوناگون به بیان شاعرانه گرایش دارد. *نقشه‌المصدر* نیز از مهمترین نمونه‌های نثر فنی فارسی در قرن هفتم هجری است و از نظر واژه‌ها و ترکیبات، جایگاهی برجسته در تاریخ زبان فارسی دارد. از این رو، نمیتوان آن را تنها متنی برای انتقال پیام دانست؛ زیرا زبان آن سرشار از تصویرپردازی، تخیل و صنایع ادبی است و ساختار بیان آن در بسیاری از مواضع به شعر نزدیک میشود، به‌گونه‌ای که مرز میان نثر و شعر را بسیار نزدیک می‌کند. (شمیسا، ۱۳۸۷، ص ۷۶). نثر مرسل در نیمه قرن پنجم تحول پیدا کرد و در قرن شش به نثر فنی تبدیل شد. نثر فنی، نثر قرن ششم و هفتم است. از پایان قرن هفتم این نثر دچار تکلف بیشتر و غرق در صناعات ادبی و تبدیل به نثر مصنوع شد (همان، ص ۸۱). این کتاب در میانه نثر مرسل و نثر مصنوع قرار میگیرد و ویژگیهای نثر فنی را داراست. گزینش واژه‌ها و شیوه بیان آن، در کنار محتوای اثر، به نثر آن رنگ‌وبویی ادبی داده است.

از نظر سبک‌شناسی، شیوه به‌کارگیری واژه‌ها و گروه‌های واژگانی در متن اهمیت ویژه‌ای دارد (فتوحی، ۱۳۹۰، ص ۲۴۹). از این رو، *نقشه‌المصدر* از منظر واژگانی، موضوعی مناسب برای بررسی روابط بینامتنی به شمار می‌آید.

کلیات پژوهش

مسئله اصلی این پژوهش، تبیین چگونگی ارتباط بینامتنی *نقشه/مصدر* با متون پیشین و پسین در لایه واژگانی و شناسایی مؤلفه‌های ارتباطی این مناسبات است. بدین‌منظور، پژوهش حاضر میکوشد به این پرسش پاسخ دهد که چه روابط بینامتنی در سطح واژگانی میان *نقشه/مصدر* و متون پیشین و پسین وجود دارد و چه مؤلفه‌های بینامتنی در به وجود آمدن این روابط نقش دارند.

پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر رویکرد بینامتنی، به بررسی روابط واژگانی *نقشه/مصدر* با متون پیش و پس از آن می‌پردازد. مقصود این پژوهش صرفاً استخراج و فهرست کردن شواهد نیست، بلکه با تحلیل داده‌های زبانی، مؤلفه‌های ارتباط بینامتنی و نقش آنها در تداوم، تحول و بازآفرینی لایه واژگانی این اثر در سیر تاریخی زبان فارسی تبیین می‌شود.

پیشینه و اهمیت پژوهش

باوجود اهمیت زبانی و ادبی *نقشه/مصدر* در تاریخ نثر فارسی، ارتباط بینامتنی آن با متون پیشین و پسین در لایه واژگانی به‌صورت نظام‌مند بررسی نشده و مؤلفه‌های ارتباطی این مناسبات تبیین نگردیده است. یکی از پژوهشهایی که تمامی مقالات همایشی و نشریه‌ای را تا پایان سال ۱۳۹۹ در بستر *نقشه/مصدر* واکاوی و بررسی کرده و به آسیب‌شناسی علمی پرداخته، مقاله «نقد و آسیب‌شناسی کارنامه *نقشه/مصدر* پژوهی (تا پایان سال ۱۳۹۹ شمسی)» است (رک. ذبیحی و خزانه‌دارلو، ۱۴۰۱). براین‌اساس ۱۴۰ مقاله در این حوزه شناسایی و معرفی شده است. در مقاله «بررسی تطبیقی انواع بینامتنیت ژنت با نظریه بلاغت اسلامی در *نقشه/مصدر* زیدری نسوی»، فقط ارتباط *نقشه/مصدر* با متون پیشین و پسین واکاوی نشده، بلکه بر پایه نظریه بینامتنیت ژنت و با تکیه بر بلاغت اسلامی، نمونه‌هایی از متن کتاب بررسی و تحلیل شده است. پایان‌نامه «بررسی سبک‌شناسانه *نقشه/مصدر*» (اتونی، ۱۳۸۷) به بررسی ویژگیهای ادبی، زبانی و فکری کتاب مذکور پرداخته است. پایان‌نامه «بررسی ویژگیهای سبکی *نقشه/مصدر*» (خیری، ۱۳۸۸) سبک‌شناسی این اثر در سطح زبانی، ادبی و محتوایی را ارائه می‌دهد. خانی (۱۴۰۳) نیز در پایان‌نامه خود تحت عنوان «بررسی انواع اسم در *نقشه/مصدر*»، به انواع اسم در این اثر می‌پردازد. به‌این‌ترتیب، در هیچ‌یک از این پژوهشها و تحقیقهای مشابه، مناسبات بینامتنی واژه‌ها با متون پیشین و پسین بررسی نشده است و آنچه این تحقیق را از پژوهشهای قبلی متمایز میکند، تحلیل مناسبات بینامتنی-واژگانی *نقشه/مصدر* بر مبنای یک بررسی داده‌محور است. این پژوهش صرفاً «بینامتنیت» نیست؛ بلکه تحلیل داده‌محور بینامتنیت واژگانی بر پایه ردیابی تاریخی واژه‌ها است.

مبانی نظری

هر متن در بستری از سنتهای ادبی، فرهنگی و زبانی پدید می‌آید و بدون توجه به روابط بینامتنی آن، به‌درستی تبیین نمیشود. پژوهش حاضر که با هدف بررسی «بینامتنیت واژگانی»^۱ در *نقشه/مصدر* انجام شده، بر همین بنیان نظری استوار است. این اثر در نقطه تلاقی ادبیات و تاریخ قرار دارد؛ از یک طرف وقایع سیاسی و اجتماعی دوره نویسنده را روایت میکند و از طرف دیگر، نثری عاطفی و سرشار از بیان احساسی دارد. از این‌رو، *نقشه/مصدر* متنی میانی است که هم از متون پیشین، به‌ویژه نثر فنی و تاریخ‌نگاری، تأثیر پذیرفته و هم بر نثر پس از خود اثر گذاشته است.

^۱ Lexical Intertextuality

گرچه اصطلاح «بینامتنیت»^۱ را نخستین بار ژولیا کریستوا^۲ مطرح کرد، اما مبانی نظری آن از اندیشه‌های فردینان دو سوسور و میخائیل باختین تأثیر پذیرفته است. سوسور (۱۳۸۲، ص ۳۵) زبان را نظامی اجتماعی میدانست که معنا در آن از روابط میان نشانه‌ها شکل میگیرد، نه از تکواژها. او با تمایز میان بررسی همزمانی و در زمانی زبان (صفوی، ۱۳۶۰، ص ۳۰؛ همان، ۱۳۹۰، ج ۱: ۳۱)، نشان داد که بررسی در زمانی، امکان پیگیری سیر حضور، دگرگونی و تداوم واژه‌ها را فراهم میکند. کریستوا نیز با بهره‌گیری از اندیشه‌های باختین، که هر سخن را در گفتگویی دائمی با سخنان پیشین میدانست، مفهوم بینامتنیت را تبیین کرد. پس از او، ژرار ژنت با گسترش این دیدگاه، انواع روابط میان متنها را در قالب مفهوم «ترامتنیت» تبیین کرد (نامورمطلق، ۱۳۸۶، ص ۸۳).

بر پایه نظریه گفتگومندی باختین، هیچ کلامی مستقل و بدون پیشینه نیست؛ زبان همواره در بستری گفتگویی شکل میگیرد و هر واژه، پژواک سخنان دیگران و بازتاب کشمکشهای اجتماعی است (آلن، ۱۳۹۲، ص ۵۹). براین اساس وقتی نویسنده‌ای از این واژه‌ها استفاده میکند، به نوعی وارد بحثها و تقابل فکری و فرهنگی جامعه و تاریخ میشود.

این تحقیق نشان میدهد برخی واژه‌ها یا عبارات که در *نقشه‌المصدر* به کار رفتند و در متون قبل و بعد از آن تکرار شدند یا تغییر کردند، یعنی در شبکه‌ای از متون و اندیشه‌های رایج روزگار خود حضور دارند و با جامعه و فضای فکری آن دوره پیوند یافتند. این واژه‌ها فقط به یک متن محدود نیستند، بلکه میان متون مختلف و چندین دوره ارتباط برقرار میکنند. به این معنی که برخی واژه‌ها در هر دوره و هر متن ممکن است به سبب باورها و شرایط آن جامعه معنی متفاوتی پیدا کنند. به این ترتیب هر متن در گفتگو با متنهای پیشین و پسین معنا پیدا میکند. به عبارت دیگر ردیابی واژه‌ها و ترکیبهای خاص در متون مختلف و کشف رابطه زبانی و معنایی بین آنها است؛ یعنی هر گفتار در شبکه‌ای از گفتگوهای پیشین خود جای میگیرد و در آن موضوع با آن اشتراک دارد و در عین حال زمینه‌سازی برای سخنان آینده به شمار میرود. (احمدی، ۱۳۷۰، ج ۱: ۹۳)

در همین چارچوب از زاویه بینامتنی، *نقشه‌المصدر* نمونه برجسته از متنی است که علاوه بر اینکه از نثر فارسی پیش از خود بهره برده و بر آثار پس از خود نیز اثر گذاشته است، بلکه متنی میانجی در سیر تحول واژه‌ها و تعبیرات است. نسوی زبان را با بهره‌گیری از دستاوردهای نویسندگان پیش از خود و نیز نوآوریهای واژگانی، به شیوه‌ای متمایز به کار میگیرد، چنانکه میتوان متن او را نمونه‌ای از گفتگوی متنی با متون دیگر، در معنای مورد نظر باختین، در نظر گرفت.

در پژوهشهای ادبی، سبک‌شناسی یکی از روشهای مهم بررسی متن به شمار می‌آید؛ زیرا از طریق آن میتوان ویژگیهای زبان نویسنده و ارتباط آن را با فضای فرهنگی و تاریخی زمان او بررسی کرد. این موضوع درباره *نقشه‌المصدر* اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا این اثر در دوره‌ای بحرانی نوشته شده و نسوی تجربه‌های عاطفی، سیاسی و فردی خود را با زبانی متفاوت از نثر تاریخ‌نگاری بیان کرده است.

یکی از رویکردهای اثرگذار در سبک‌شناسی، تحلیل لایه‌ای زبان است که ریشه در اندیشه ساختارگرایان دارد و در آثار پس‌اساختارگرایان نیز گسترش یافته است. این رویکرد، زبان متن را به چند لایه، یعنی لایه آوایی، لایه واژگانی، لایه نحوی، لایه بلاغی، لایه معنایی-گفتمانی تقسیم میکند (فتوحی، ۱۳۹۰، ص ۲۴۱). در میان این لایه‌ها،

^۱ Intertextuality

^۲ Julia Kristeva

پژوهش حاضر بر «لایه واژگانی»^۱ متمرکز است؛ زیرا در مطالعات بینامتنیت، انتقال، استمرار، احیا و نوآوری زبانی بیش از هر چیز در سطح واژه و ترکیبهای واژگانی قابل پیگیری است و از این رو، این لایه بیش از دیگر لایه‌ها روابط میان متون را نشان می‌دهد.

منظور از بینامتنیت و ارتباط بینامتنی در لایه واژگانی، رابطه ساختاری و سبکی میان واژه‌ها و ترکیبهای یک متن با متون پیشین و همعصر است. این روابط در نثر فارسی اغلب از طریق الگوهای واژه‌سازی، واژه‌گزینی، ترکیب‌سازی، صفت‌پردازی، ترکیبهای اضافی، پشت سر هم آمدن صفتها، موسیقی آوایی، استفاده از عناصر شاعرانه و... شکل می‌گیرد. نسوی در *نقشه‌المصدر* با پیروی از روش نثر فنی قرن ششم و هفتم و نیز با نوآوری در صفت‌سازی و ترکیبهای شاعرانه، شبکه بینامتنی تازه‌ای پدید می‌آورد که نثر او را از نثر مرسل جدا کرده و در جایی بین تاریخ و ادب قرار می‌دهد. در این پژوهش، ردّ واژه‌ها و عبارات نه فقط در *نقشه‌المصدر*، بلکه در شبکه‌ای از متون دنبال شده است و این کار دقیقاً کاری است که در مطالعات بینامتنیت^۲ انجام میشود، به‌خصوص در سطح واژگانی و سبکی.

تحلیل و بررسی: دسته‌بندی مؤلفه‌ای بینامتنیت واژگانی در *نقشه‌المصدر*

نقشه‌المصدر از برجسته‌ترین نمونه‌های نثر فنی فارسی در قرن هفتم هجری است که از نظر ویژگیهای واژگانی، سبکی و بلاغی، ساختاری پیچیده دارد. زبان در این اثر تنها برای بیان رویدادها به کار نرفته است؛ از یک جهت سنتهای نثر فنی و تاریخ‌نگاری فارسی را استمرار می‌بخشد، از جهت دیگر با بهره‌گیری از ترکیب‌سازی و نوآوریهای واژگانی، سبک نویسنده را شکل می‌دهد و در نهایت بر متون پس از خود نیز اثر می‌گذارد.

پژوهش حاضر با واکاوی روابط میان متون از منظر بینامتنیت واژگانی و سبک‌شناسی بینامتنی، چهار مؤلفه بینامتنی را استخراج کرده است: تأثیرپذیری واژگانی از متون پیشین، ابداع و نوآوری واژگانی، احیا، بازسازی یا بازآفرینی واژه‌های مهجور یا کهن، تأثیرگذاری واژگانی بر متون پسین. بر پایه این رویکرد، در ادامه روابط میان‌متنی *نقشه‌المصدر* با تکیه بر این چهار مؤلفه تحلیل میشود.

تأثیرپذیری بینامتنی از پیشینیان

تأثیرپذیری در *نقشه‌المصدر* صرفاً به وام‌گیری واژه‌ها محدود نمیشود. در بخشهایی نسوی برای روایات رویدادهای تاریخی، از زبان و شیوه رایج تاریخ‌نگاری بهره می‌گیرد و رنج، آشوب و ویرانی روزگار حمله مغول را با همان زبان بیان میکند؛ از این رو، اثر او در امتداد سنت تاریخ‌نویسی فارسی قرار می‌گیرد.

«مقتاضی اجل» و «نکبای نکبت» از جمله ترکیباتی است که در *نقشه‌المصدر* به کار رفته است، این ترکیبها در متون پیشین سابقه دارد و در آثار نویسندگان پس از نسوی نیز تداوم یافته است. این امر نشان می‌دهد که واژه‌ها و ترکیبات در شبکه‌ای از روابط متنی جریان می‌یابند و با جامعه و فکر آن دوره پیوند دارند. این عناصر زبانی به یک متن محدود نمیشوند، بلکه پیوندی میان متون و دوره‌های مختلف برقرار میکنند. برخی واژه‌ها و ترکیبات نیز متناسب با بافت فرهنگی، تاریخی و زبانی هر دوره، دچار تحول معنایی یا تغییر در کارکرد میشوند. به این ترتیب هر متن در گفتگو با متنهای پیشین و پسین معنای تازه پیدا میکند و این نشانه‌ای از بینامتنیت فرهنگی است. از این منظر، متن *نقشه‌المصدر* درون یک گفتگوی تاریخی با دیگر متون شکل گرفته است و واژه‌ها پیشینه‌ای تاریخی دارند.

^۱ Lexical Layer / Lexical Level

^۲ Intertextuality

نسوی در لایه واژگانی، شماری از واژه‌ها و ترکیبات را از متون پیشین اقتباس کرده و با حفظ صورت و معنا، در بافت نثر خود به کار برده است. بخش قابل توجهی از این نمونه‌ها را واژه‌های عربی تشکیل می‌دهند که بیشتر در حوزه‌های جنگ، تاریخ و سیاست رواج داشته‌اند و استمرار آنها در *نقشه‌المصدر*، نشان‌دهنده تداوم سنت واژگانی نثر فنی و تاریخ‌نگاری فارسی است. از جمله: «اصابات»، «اعباء»، «تغاییر»، «تسالب»، «حناجر»، «خناجر»، «خنادق»، «ذوایل»، «ضراحت»، «ضواری»، «علاله»، «علوج»، «مصاع»، «مؤانات»، «مرهفات»، «محاصرات»، «منزع»، «متشاغل»، «نکبا»، «نفایات» و «مذموم‌سیرت». بیشتر این واژه‌ها اسمهای عربی کم‌بسامد یا جمعهای مکسرند که در متون فنی و تاریخی قرون ششم و هفتم رواج داشته و نسوی آنها را بدون دگرگونی ساختاری در نثر خود استمرار بخشیده است.

کاربرد این دسته از واژه‌ها، پیوند *نقشه‌المصدر* را با سنت نثر تاریخی و فنی قرون پنجم و ششم نشان می‌دهد. حضور این عناصر واژگانی، تداوم الگوهای زبانی متون تاریخی، حماسی و دیوانی پیشین را در این اثر آشکار میکند و یکی از مهمترین نموده‌های تأثیرپذیری بینامتنی نسوی به شمار میرود. به‌طور کلی، این دسته از نمونه‌ها در چند زیرشاخه قابل طبقه‌بندی است:

الف) عربی‌گرایی

یکی از نموده‌های تأثیرپذیری بینامتنی در لایه واژگانی *نقشه‌المصدر*، گرایش به کاربرد کلمات عربی و عربی‌گرایی است؛ گرایشی که در نثر فنی و تاریخ‌نگاری فارسی در قرون ششم و هفتم قابل تبیین است. بسامد بالای اسمهای جمع عربی، به‌ویژه جمعهای مکسر از آشکارترین نموده‌های عربی‌گرایی در *نقشه‌المصدر* است. جدول ذیل حضور واژه‌های جمع عربی در کتاب را نشان می‌دهد:

جدول ۱: نمونه اسامی جمع عربی در کتاب *نقشه‌المصدر*

آساد	اجناد	احداث	خلال	احقاب	ثغور	جموع	جیوش	ظلال
احناء	اخلاف	اذیال	دواین	ازرار	حبائل	حدائق	حدود	عظام
أسره	اسنان	أسنه	فنون	اطناب	حناجر	خدشات	خددود	علوج
اصابع	اصدقاء	اطلاب	رنود	بیض	خلالات	خناجر	دواعی	قوانین
اعباء	اعزه	اعمار	سبایا	اغانی	دوائر	دئاب	ذوایل	لقاطات
امانی	انیاب	اوتار	سوالف	اوطار	رباع	رحال	رساتیق	مآرب
عرصات	اهوال	ایامی	شواهیق	ایمان	رؤوس	ریاض	سباع	محاضرات
بروق	بساتین	بواتر	صواعق	ترهات	سحائب	سرایر	سعدا	مرايض
تصاريف	تغاییر	توایل	ضواری	تیوس	شعاب	شمایل	شوافع	مشارب
عواصف	قصاد	قلال	مفارق	جیاد	شهور	شیم	صفائح	مطایا
قوايم	کرام	کفات	معارک	معالی	صهوات	ضباع	ضراحت	مفترضات
لواحق	لواقح	مأثر	مکامن	مکاید	ضیاع	طوال	طوامیر	مواثیق
مثالث	مثانی	مجانیق	مهام	مهفهفات	عتاق	عراص	عساکر	نقمت
مخارم	مخالب	مخایل	نواب	نیران	عفاریت	عقاب	عقود	جنات
مروج	مرهفات	مسامع	ملاعین	نفایات	ولات	مشارق	مصاید	مضایق

کاربرد گسترده اسمهای جمع عربی نشان میدهد که *نفته‌المصدر* از الگوهای رایج نثر فنی و تاریخ‌نگاری زمان خود پیروی کرده است. با اینکه نشانه‌های رایج جمع در فارسی «ان» و «ها» بوده‌اند، اما بررسی داده‌های این پژوهش نشان میدهد که اسمهای جمع عربی در مقایسه با جمعهای فارسی فراوانی بیشتری دارند. نمونه‌هایی در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۲: نمونه اسامی جمع با نشانه جمع فارسی در *نفته‌المصدر*

گوش‌آگندگان	غافلان	مردان	دوستان
یاران	متعلقان	لشکرها	سالها
کوران	شبه‌ها	سروران	سر‌ها
دوزخیان	بیکسان	غریبان	رفیقان
رسولان	مرغان	مسلمانان	بیگناهان
سواران	خسروان	سیاه‌کلاغان	کبوتران
ابلهان	مورحرسان	طاقچه‌ها	پریچهرگان

بخش دیگر از عربی‌گرایی، در مصدرهایی نمودار گشته که نسوی در کتاب استفاده کرده است. نمونه‌هایی از آن:

جدول ۳: نمونه مصدرهای عربی در *نفته‌المصدر*

تثقیف	تجاذب	تحدید	انذار	تحدیر
تحفظ	تخشع	تخویف	انتعاش	تدارک
تراخی	تزجیه	تشدید	امهال	تصدّر
تطویل	تعسف	تعفف	انشاد	تعنیف
تفقّد	تقلّب	تکرّر	افناء	تلاطم
تمهید	تواتر	توفیر	اقتناء	توکیل
تهدی	تیقّظ	انتعاش	انقباض	انتماء

نمونه‌های دیگر عربی‌گرایی *نفته‌المصدر* را میتوان از اسمها و صفت‌هایی که بر وزن و سیاق عربی ساخته شده‌اند تشخیص داد. نمونه‌های این دسته در جدول زیر آمده است:

جدول ۴: نمونه اسمها و صفت‌های بر وزن و سیاق عربی در *نفته‌المصدر*

متشاغل	متقاضی	محارب	مندوب	مجهور
محرّر	محظور	محموم	ممّهّد	مخنوق
مدروس	مزیف	مستبشر	معتنی	مسخرج
مستدرک	مسترجع	مستظهر	معنبر	مشبع

ب) کهنگرایی واژگانی

کهنگرایی یا آرکائیس^۱ یکی از ویژگیهای مهم سبک‌شناسی در نثر فارسی است که با گزینش آگاهانه واژه‌ها و ساختهای کهن، زبان را توانمندتر میکند، به نثر استحکام میبخشد و شکوه تاریخی اثر را پررنگتر نشان میدهد (صهبا، ۱۳۸۴، ص ۴۳).

این دسته از واژه‌ها و اصطلاحات در متون پیش از نسوی که ترکیبی از عربی و فارسی بوده، رواج داشته‌اند و یکی از نمودهای کهنگرایی در *نفثه/المصدر*، کاربرد همین عناصر رایج در سنت تاریخ‌نگاری و نثر فنی پیشین است و به نظر میرسد نسوی این واژه‌ها را برای بازنمایی فضای جنگ، خشونت ناشی از یورش مغول و حفظ و بازتاب لحن تاریخی به کار گرفته است.

جدول ۵: نمونه واژه‌های کهن‌گرا در تصویرسازی شرایط جنگی و سیاسی

بدرقه	اجناد	سیف/حسام	یزک	مغفر	هیجا	خنادق	اطلاب
امیر بار	بارسالار	بلارک هندی	میمنه	میسره	سنان	جریده	بواتر
بلارک	پروانه	خفتان	مصاع	معارک	سقاط	چرخ	تجفاف
جریده	جعبه	ذوابل	کیش	مجانیق	عارض	خناجر	جیوش

بنابراین، استمرار و بسامد قابل توجه این دسته از واژه‌ها و ساختهای کهن در *نفثه/المصدر* نشان میدهد که نسوی آگاهانه از سنت واژگانی نثر فنی و تاریخ‌نگاری متقدمان بهره گرفته و روایت خود از یورش مغول را در امتداد همان سنت ادبی و تاریخی سامان داده است. از این رو، کهنگرایی در این اثر صرفاً به کاربرد پراکنده چند واژه کهن محدود نمیشود، بلکه در گزینش آگاهانه صورتهای واژگانی و ساختهای زبانی برگرفته از متون پیشین آشکار میشود؛ انتخابی که آن را به یکی از مؤلفه‌های سبکی *نفثه/المصدر* بدل کرده است.

ج) واژه‌های اخلاق‌محور

نسوی در توصیف حاکمان مغول، رجال سیاسی و اوضاع زمانه، از واژه‌های اخلاق‌محور بارزش بهره میگیرد که در امتداد سنت واژگانی متون فارسی و عربی پیشین قرار دارند. نمونه‌ها: «مذموم‌سیرت»، «نفایات»، «متشاغل»، «منزع»، «بیخ‌آور»، «حرامزاده»، «حلالزاده»، «خونخواری»، «خیره‌رویی»، «هرزه‌گویی»، «لگدکوب»، «خامکار»، «سیاهکار»، «پرده‌ری»، «کارزار»، «خاکسار»، «گاوریش». این واژه‌ها در *نفثه/المصدر* منحصرأ کارکرد اخلاقی ندارند، بلکه بازتاب‌دهنده خشم، اعتراض و داوری سیاسی و تاریخی نویسنده است و او از این عناصر برای تبیین و توصیف احساس و عواطف خود نسبت به شرایط و اوضاع بهره برده است.

۳-۲. ابداع و نوآوری

ابداع و نوآوری واژگانی در *نفثه/المصدر* جلوه‌های گوناگونی دارد و ساخت واژه‌های تازه یکی از آن موارد است که بر پایه تحلیل روابط بینامتنی در لایه واژگانی، در چهار محور واژه‌سازی و ترکیب‌سازی، نوآوری آوایی، احیا و بازآفرینی ساختهای واژگانی و بازآفرینی معنایی واژه‌ها قابل بررسی است. این دسته‌بندی نشان میدهد که نسوی چگونه از واژه‌ها و ترکیبهای متون پیشین بهره گرفته است، نه اینکه فقط ویژگیهای واژگانی یا روند تحول واژه‌ها را توصیف کند؛ از این رو، این چهار محور را میتوان مهمترین جلوه‌های نوآوری واژگانی او در *نفثه/المصدر* دانست:

^۱ Archaism

الف. واژه‌سازی و ترکیب‌سازی

نوآوری واژگانی در *نقشه‌المصدر*، در کنار آفرینش واژه‌ها و ترکیبهای تازه، در استفاده از شیوه‌های واژه‌سازی در زبان فارسی و عربی نیز دیده می‌شود. نسوی با استفاده از الگوهای واژه‌سازی و ترکیب‌سازی، واژه‌ها و ترکیب‌هایی متناسب با فضای عاطفی و ادبی اثر ساخته و از این راه، امکان بیان مفاهیم بیشتری را فراهم کرده است. بسیاری از این ترکیبها یا در متون پیشین سابقه‌ای ندارند، یا دست‌کم در ساخت و کارکردی متفاوت به کار رفته‌اند و از این رو، بخشی از هویت سبکی اثر را شکل داده‌اند. نمونه‌هایی چون «اندرون‌دار»، «بوالعجب‌باز»، «سست‌شلوار»، «سپید‌گلیم»، «زحمت‌آشیان»، «نرم‌بروت»، «نیم‌خسته»، «محنت‌روزی»، «حرام‌ریزه»، «قربت‌ریزه»، «عرض‌ریزه»، «سعادت‌ریزه»، «فراغت‌ریزه»، «فسوس‌داری»، «أنین‌المهجور»، «دوارالرأس»، «مال‌خورده»، «مکشوف‌تن»، «ردکردنی» و «لئیم‌طبیعت» از جمله ابداع‌های ساختی نسوی به شمار می‌روند.

در میان این نمونه‌ها، بهره‌گیری از الگوی واژه‌سازی با جزء پایانی «ریزه» جایگاه ویژه‌ای دارد. پیش از نسوی، این جزء غالباً در ترکیب‌هایی مانند «سنگ‌ریزه»، «نان‌ریزه»، «زمین‌ریزه» و «آب‌گینه‌ریزه» با دلالت بر خردی و کوچکی اشیای عینی به کار می‌رفت؛ اما نسوی با افزودن آن به اسمهای انتزاعی، مانند «حرام»، «عرض»، «سعادت»، «قربت» و «فراغت»، ساخت‌هایی پدید آورده است که افزون‌بر حفظ مفهوم خردی کوچکی، بار ارزشی و عاطفی نیز یافته‌اند و برای کوچک، ناچیز یا بی‌اعتبار جلوه دادن مفاهیم انتزاعی به کار رفته‌اند. بدین ترتیب، نوآوری او فقط در ساخت واژه‌ها و ترکیبهای تازه نیست، بلکه در به‌کارگیری الگوهای واژه‌سازی برای بیان معناهای تازه نیز دیده می‌شود.

نکته دیگر، شیوه بهره‌گیری نسوی از الگوهای رایج ترکیب‌سازی است که ضمن حفظ برخی ویژگیهای نثر فنی و سنت زبانی پیشینیان، زمینه را برای نوآوریهای واژگانی و زیبایی‌شناسی فراهم کرده است. شیوه‌ای که ضمن حفظ شیوه نثر فنی، به اثر او ویژگی ادبی و نوآورانه می‌بخشد. برای نمونه، در ساختهای مبتنی بر «سیاه»، میتوان به «سیاه‌کام»، «سیاه‌کار»، «سیاه‌گلیم»، «سیاه‌کلاغ»، «سیاه‌روزی»، «سیاه‌رو» و در ساختهای مبتنی بر «سپید» به «سپید‌کار»، «سپید‌گلیم» اشاره کرد. همچنین با ساخت‌هایی مانند «جرم‌کار» دست به نوآوری می‌زند و درحالی‌که «سپید‌کار» پیش از او سابقه داشته، ترکیب «سپید‌گلیم» را پدید می‌آورد.

به‌طور کلی، این دسته از ساخت‌ها نشان می‌دهد که نسوی در فرایند واژه‌پردازی، صرفاً پیرو سنت‌های واژگانی پیشینیان نیست، بلکه با تکیه بر الگوهای ساخت‌واژی زبان و بهره‌گیری خلاقانه از آنها، صورتهایی تازه می‌آفریند؛ صورتهایی که علاوه بر غنای واژگانی، در انتقال مفاهیم، شخصیت‌پردازی، توصیف و تقویت جنبه‌های زیبایی‌شناسی نثر نیز نقش مؤثری ایفا میکنند.

ب. نوآوری آوایی

واژه‌های «چپ‌چاپ» و «چش‌چش» از نمونه‌های برجسته نوآوری آوایی در *نقشه‌المصدر* به شمار می‌آیند. این دو صورت، علاوه بر انتقال معنا، با تداعی آوای طبیعی، صحنه را برای خواننده روشنتر کرده و به تصویرسازی و روایت اثر کمک کرده‌اند. بررسی شواهد پیکره نیز نشان می‌دهد که این کاربردها در متون فارسی بسیار کم‌سابقه‌اند؛ چنانکه «چپ‌چاپ» پس از *نقشه‌المصدر* تنها در *رستم/تواریخ*، تألیف آصف دیده میشود و «چش‌چش» تنها در کدو *مطبخ قلندری*، نوشته قرشی خلخالی، وجود دارد که با صورت آوایی متفاوت «چش‌چش» و در معنایی دیگر، به کار رفته است. واژه «فش‌فش» نیز از دیگر نمونه‌های ابداع آوایی است که بر پایه شواهد پیکره مورد بررسی، تنها

در *نفته‌المصدر* ثبت شده است. بدین ترتیب، کاربرد این واژه‌ها در این اثر را میتوان از نمونه‌های خلاقیت نسوی در استفاده از ویژگیهای آوایی زبان دانست که به تصویرسازی و زیبایی نثر کمک کرده‌اند.

ج. احیا و بازآفرینی ساختهای واژگانی

گونه‌ای دیگر از نوآوریهای نسوی در *نفته‌المصدر*، نه در ابداع ساختهای کاملاً تازه، بلکه در احیا و بازآفرینی ساختهای واژگانی پیشین دیده میشود. در این شیوه، نویسنده با تکیه بر ساختهای شناخته‌شده زبان فارسی و عربی، از طریق تغییر در صورت، جابه‌جایی اجزای ترکیب یا گسترش الگوهای ساخت‌واژی، آنها را متناسب با نیازهای موجود در متن خود بازآفرینی میکند. نمونه‌هایی مانند «بارسالار»، «امیربار»، «طاسگردانی»، «تیزپری»، «حیض‌نادیده»، «ناملفت»، «نابخسته»، «نانشسته»، «ناخوش‌مذاق» و «نامصادق» از این گونه‌اند.

در میان این نمونه‌ها، برخی ساختها با حفظ هسته اصلی، در قالبی متفاوت به کار رفته‌اند. برای نمونه، به نظر میرسد «بارسالار» و «امیربار» بازآفرینی ساختهای پیشین «سالار بار» و «امیر بار» باشند. همچنین نسوی با تبدیل «تیزپر» به «تیزپری» و ساخت «ناملفت»، «نابخسته»، «نانشسته»، «ناخوش‌مذاق» و «نامصادق» بر پایه «ملتفت»، «بخسته»، «نشسته»، «خوش‌مذاق» و «مصادق»، نشان میدهد که در بازآفرینی ساختهای موجود، تنها به حفظ صورت پیشین بسنده نکرده، بلکه با ایجاد دگرگونیهای صرفی و اشتقاقی، آنها را با بافت و نیازهای بیانی متن سازگار ساخته است. ترکیب «حیض‌نادیده» نیز از این نظر قابل توجه است؛ زیرا نسوی با بهره‌گیری از اجزای شناخته‌شده زبان، ترکیبی تازه با معنای تازه پدید آورده است. همچنین به نظر میرسد «طاس گردانی» نیز بر پایه الگوهای رایج ترکیب‌سازی فارسی ساخته شده و نمونه‌ای از بازآفرینی ساختی به شمار می‌آید.

شواهد نشان میدهد که نسوی در استفاده از واژه‌های متون پیشین، تنها به تکرار بسنده نکرده، بلکه با تغییر در صورت و ساخت آنها، معانی و کاربردهای جدیدی به وجود آورده است. این رویکرد، نوآوری سبکی محسوب میشود؛ زیرا ضمن حفظ سنت زبانی، تنوع بیانی خاص خود را ایجاد کرده است.

د. بازآفرینی معنایی

نوآوری نسوی در *نفته‌المصدر* محدود به ساختن واژه‌ها یا بازآفرینی ترکیبات کهن نیست؛ او گاهی با تغییر یا گسترش معنای کلمات، به شیوه بیانی ویژه‌ای دست پیدا میکند. در این شیوه، نویسنده واژه‌ای با سابقه کاربرد در متون پیشین را در بافتی تازه به کار می‌گیرد و از این طریق، کارکرد معنایی جدیدی برای آن پدید می‌آورد. ازجمله این نمونه‌ها میتوان به «سردرو» و «هوای دودم» اشاره کرد.

واژه «سردرو» در آثار فردوسی، اسدی طوسی و ناصر خسرو در معنای «سربنده» و در وصف شمشیر به کار رفته است؛ اما نسوی آن را در معنای «اندکی از بسیار» به کار می‌برد و بدین ترتیب، کارکرد معنایی تازه‌ای برای این واژه پدید می‌آورد. نمونه دیگر، ترکیب «هوای دودم» است. «دودم» در متون پیشین غالباً در توصیف تیغ و شمشیر و با دلالت بر «دو لبه بودن» آن به کار رفته است؛ اما نسوی کاربرد معنایی این واژه را از توصیف جنگ و سلاح به توصیف طبیعت تغییر میدهد و آن را برای وصف هوایی به کار می‌برد که گاه به سردی و گاه به گرمی میل دارد. این انتقال از یک حوزه معنایی به حوزه دیگر، سبب شده است که واژه در بافتی تازه، دارای معنایی متفاوتی شود. این نمونه‌ها نشان میدهد که نسوی در برخی موارد، بدون آنکه ساخت واژه را تغییر دهد، واژه را در معنایی تازه یا در کاربردی متفاوت به کار برده و از این راه، بیانی تازه پدید آورده است. به این ترتیب، نوآوری معنایی را نیز میتوان یکی از جلوه‌های نوآوری واژگانی او دانست که در شکل‌گیری شیوه بیان او نقش داشته است.

تأثیرگذاری بر متون پسین

با توجه به اینکه *نقشه‌المصدر* در اوج بحران حمله مغول نوشته شده، از نظر زبانی اثری ارزشمند و شایسته بررسی است. باین‌حال، نمیتوان با اطمینان گفت هر واژه یا ترکیبی که در متون پس از *نقشه‌المصدر* دیده میشود، حتماً از این اثر به آنها راه یافته و نوآوری مستقل نویسندگان و شاعران بعدی نبوده است. حتی در پژوهشهای ادبیات تطبیقی نیز چنین ادعایی فقط زمانی پذیرفتنی است که شواهد و مستندات کافی برای آن وجود داشته باشد. بنابراین بر اساس شواهد موجود، میتوان چنین برداشت کرد که *نقشه‌المصدر* به‌عنوان متنی میانجی، از طرفی شماری از واژه‌ها و ترکیبهای متون پیشین را حفظ و منتقل کرده و از طرف دیگر، با نوآوریهای زبانی خود، در شکل‌گیری و رواج برخی ساختها در متون پسین نیز اثرگذار بوده است.

در بررسی داده‌ها مشاهده شد که برخی ترکیبات و تعبیرات در متون پیشین و پسین با صورتهای واژگانی متفاوتی به کار رفته‌اند؛ برای نمونه، «احناء ضلوع» در برخی متون به‌صورت «احناء ضمیر» و «احناء سینه» آمده است و «اعباء محنت» نیز با صورتهایی چون «اعباء مشاق» و «اعباء مشقت» دیده میشود. همچنین، واژه «کاغیدن» تنها در شعر مسعود سعد سلمان ثبت شده و در متون دیگر به صورتهای «کاغ‌کاغ»، «کاغ» و «کاغ کردن» به کار رفته است. این تفاوتها، افزون بر تنوع سبکی، تحول طبیعی کلمات را در زبان فارسی نشان میدهد. برخی از واژه‌ها تنها در متون کهن دیده میشوند و پس از دوره‌ای از رواج، از کاربرد افتاده‌اند. در مقابل، برخی واژه‌ها و ترکیبات در متون پس از *نقشه‌المصدر* نیز استمرار یافته‌اند. البته نمیتوان با اطمینان گفت همه این نمونه‌ها مستقیماً از *نقشه‌المصدر* به متون بعدی راه یافته‌اند؛ اما حضور آنها در این اثر و کاربردشان در آثار پس از آن، این احتمال را تقویت میکند که نسوی در رواج برخی الگوهای واژه‌سازی نقش داشته است.

الگوی «نیم + صفت/اسم» از جمله الگوهای زبانی است که پیش از نسوی نیز سابقه داشته و پس از او نیز در آثاری از شاعران و نویسندگان فارسی استمرار یافته است؛ مانند «نیم‌خسته»، «نیم‌شب» و همچنین کاربرد پسوند «ک» در واژه‌هایی مانند «غلامک»، «چیزک» و «روزک» که در این اثر و در شماری از متون پیشین و متون پسین ادامه داشته است. نمونه‌هایی از ترکیبهای «اسم + صفت»، مانند «روزبرگشته»، «روزدرگشته» و «روزفروشته»، و «اسم + اسم»، مانند «کوه‌پایه»، «کوه‌گداز» و «کوه‌وقار» نیز در همین چارچوب قرار میگیرند.

در زمینه ترکیب‌سازی نیز نمونه‌هایی از نوآوری زبانی نسوی دیده میشود؛ از جمله ترکیبهای «انانچه نرم کردن»، «به کیل عطار خرمن خاک پیمودن»، «به حبل عنکبوت بر افلاک رفتن» که در منابع بررسی‌شده، پیش و پس از *نقشه‌المصدر*، سابقه‌ای ندارد. اینگونه ترکیبات، توانایی نسوی را در آفرینش تعبیرهای تازه و گسترش ظرفیتهای بیانی زبان نشان میدهد.

نسوی این کتاب را فقط برای گزارش رویدادهای تاریخی ننوشته، بلکه در کنار روایت حوادث عصر مغول، رنج آوارگی، اندوه از دست دادن جلال‌الدین خوارزمشاه و تجربه‌های شخصی خود را نیز بیان کرده است (شمیسا، ۱۳۸۷، ص ۱۴۱) و در نتیجه به تاریخ و تاریخ‌نگاری رنگ‌وبویی ادبی بخشیده است. همین ویژگی باعث شده در زبان اثر او نوآوری و واژه‌سازی و ترکیب‌سازی نمود بیشتری داشته باشد.

«تیزتاز قلم که هنگام مهاجرت خفیر ضمائر و ترجمان سراپر است، بدست گرفته، و قصد آن کرده، که شطری از آتش حرقت، که ضمیر بر آن انطوا یافته است، در سطری چند درج کنم؛ و از این صدرنشین دلگیری، یعنی اندوه، حکایت شکایت‌آمیز فروخوانم؛ ... مَعَ الْقِصَّةِ بِطُولِهَا، خواسته‌ام که از شکایت بخت افتان و خیزان، که هرگز کام مراد شیرین نکرد، تا هزار شربت ناخوش‌مذاق در پی نداد، و سهمی از اقسام آرزو نصیب دل نگردانید، که هزار تیر مصائب بجگر نرسانید، فصلی چند بنویسم، و از آنچه احناء ضلوع بر او منظوی است و دل بجان‌آمده بر او حاوی-

(ع) وان کاین همه غم درو بُود یکدل نیست- دل پردازی واجب بینم، و از سرگذشتهای خویش ... در قلم آرم. باز عقل ... بیکتایی و ساده‌دلی سرزنش کرده، ... دم فروخور و لب مگشای، چه، مهربانی نیست که دل پردازی را شاید» (نسوی، ۱۳۴۳، صص ۳-۵).

نکته قابل توجه در *نفته*/مصدر، دقت نسوی در واژه‌گزینی و پرهیز او از تکرار واژه‌هاست. او از آغاز تا پایان کتاب، خلاقیت خود را در واژه‌سازی و واژه‌پردازی حفظ کرده و واژه‌ها را نیز با دقت انتخاب کرده است. نمونه‌ای از این شیوه در ادامه بررسی می‌شود:

«ای دوست، در خزان امانی کامرانی توقع کردن نادانیت، و در برگ‌ریز آمال شکوفه اقبال انتظار بردن آرزوی محال» (نسوی، ۱۳۴۳، ص ۳۸).

در مثال بالا، نسوی برای اشاره به پاییز، یک بار «خزان» و یک بار «برگ‌ریز» به کار می‌برد؛ برای اشاره به آرزو، یک بار «امانی» و یک بار «آمال» و دیگر بار از خود آرزو نام می‌برد؛ برای اشاره به خوشبختی، یک بار «کامرانی» و یک بار «اقبال» را به کار می‌برد.

نسوی در مورد واژه «اقبال» در عین حال که سعی کرده واژه را حفظ کند، معنای تازه‌ای به آن بخشیده است؛ در *تاریخ بیهقی* «اقبال» به معنای «توجه و عنایت» به کار رفته است و در طول قرن هفتم تا هشتم نیز با همین معنا کاربرد داشته است، تا اینکه دچار چندمعنایی گشته و سپس معنای اولیه متروک شده و در همنشینی با واژه «بخت»، به معنای «بخت» و «خوشبختی» گراییده است (عنایتی، ۱۳۹۷، ص ۷۲). همانگونه که در *نفته*/مصدر مشاهده می‌شود، واژه از پیشینیان برگرفته شده، اما با معنای جدیدی در این کتاب به کار رفته و بازآفرینی شده است. یکی از نشانه‌ها، واژه «کامرانی» است که برای تأکید بر محتوا با بیانی دیگر و تأثیرگذار، از «شکوفه اقبال» استفاده شده است. همچنین نسوی در جای دیگر در معنای توجه و عنایت نیز از «اقبال» بهره می‌گیرد.

او به شکلهای مختلف از جمله ساخت واژه، معنا و تصویرپردازی در اثر خود قلم‌فرسایی کرده است:

«چون سپیده سپیدکار چادر قیری از روی جهان درکشید، آستنه شعاع کرته نیلوفری ظلام بردرید، دم سپیده‌دم، با همه سردی، در جهان گرفت، خنده صبح، با همه سپیدی، بر جای نشست، خرسید چون کلاه‌گوشه نوشیروان از کوه شه‌وار طلوع کرد، مهر چون ورق بزرجمهر از مطلع شرقی برتافت، زاهد پگاه‌خیز صبح بر قستیس سیاه‌گلیم شب استیلا یافت، عروس شام جهاز زر از طاقچه‌های آسمان درهم چید، ناظم قدرت جوهر شب‌افروز با شبه برآمیخت، دست استیلای روز عقد کواکب از هم فرو ریخت...» (نسوی، ۱۳۴۳، صص ۴۱-۴۲).

این نمونه، توانایی نسوی را در ترکیب‌سازی و آفرینش ساختهای واژگانی نشان می‌دهد.

اثر ارزشمند نشوی از نظر «جزالت و استحکام» نثر، در مقایسه با بیشتر مراسلات بهاءالدین بغدادی، جایگاهی برتر دارد. نسوی در این اثر بیش از بسیاری از نویسندگان هم‌عصر خود به کاربرد واژه‌ها، ساختها و افعال کهن توجه نشان داده و همچنین با بهره‌گیری از آرایه‌های بدیعی، به‌ویژه مراعات نظیر، تضاد و گاه جناس، نثری ادیبانه و استوار پدید آورده است (بهار، ۱۳۴۹، ج ۳: ۸). او در دیباچه کتاب نیز انگیزه نگارش خود را بیان رنجه‌ها، آوارگیها و مصائب روزگار معرفی می‌کند. از این رو، زبان اثر از همان صفحات آغازین، فراتر از روایت تاریخی، در واژه‌گزینی، ترکیب‌سازی و آفرینش ساختهای بدیع، جلوه‌ای آشکار از خلاقیت ادبی نویسنده را نشان می‌دهد.

تلاشهای نسوی در حوزه ساختواژی و ترکیب‌سازی نسبت به *تاریخ بیهقی*، هم ادامه‌دهنده است و هم برای کتابهای پس از او، نوآور است؛ در پنج صفحه آغازین کتاب، که نویسنده پیش از ورود به روایت اصلی، فضای اندوه، رنج و شرایط زمانه خود را ترسیم کرده، نمونه‌های فراوانی از نوآوریهای ساختواژی و ترکیب‌سازی دیده می‌شود:

جدول ۶: نمونه‌های غیرساده ساختواژی در آستانه و آغاز کتاب

عذب‌بار	عضب‌بار	تیززبان	تیزتاز
خونخوار	زورآزمایان	لگدکوب	گوشه‌نشین
پریشانحال	نیم‌خسته	سیاه‌رویی	صدرنشین
دلگیری	شکایت‌آمیز	سیاه‌کار	دست‌نشین
اندرون‌دار	رازدار	سیاه‌کام	سخن‌چین
ناشنوده	سر تراشیده	سربریده	آبخورده
آب‌دهان	ناخوش‌مذاق	ذوفنون	یکدل
ساده‌دلی	گران‌بار	یکتایی	سرگذشت
غصه‌آمیز	سرکوب	سبک‌بار	دل‌پردازی

دیگر نمونه‌های کتاب: «واهی‌نهاد»، «واهی‌اساس»، «شکسته‌بسته»، «باعاطفت»، «بارحمت»، «نامهرب»، «غلامک»، «گنج‌اندیش»، «دست‌پاک»، «دوزبان»، «دودم»، «راه‌نشین»، «زحمت‌آشیان»، «سردفتر»، «سرباری»، «سردمهری»، «شاگردپیشه»، «شاهی‌بنیاد»، «شوم‌پی»، «طاس‌گردانی»، «غمکش»، «قرارگاه»، «کارنامه»، «گاوریش»، «مایه‌دار»، «متنکروار»، «غالیه‌سای»، «سست‌پیوندی»، «سیاه‌گلیم»، «سرآمد»، «بدآمد»، «ناآمد»، «شوربختی»، «فسوس‌داری»، «بوالعجب‌باز»، «خواجه‌تاش»، «دردخنده»، «خیره‌رویی»، «پالیزبان»، «پای‌کشان»، «جرم‌کار»، «جان‌شکر»، «پای‌ور»، «خرطبع»، «پای‌کشان»، «حرامی»، «خرگاه»، «یورتگاه»، «آتش‌پای»، «برگریز»، «هم‌بالا»، «هم‌آواز»، «پخته‌خوار»، «خام‌کار»، «دون‌پرور»، «فردوس‌آسا»، «مورحرص»، «مارسیرت»، «مذموم‌طبیعت».

در این دوره لغات غیرفارسی اعم از ترکی و عربی نیز در میان مردم و نویسندگان ظهور داشته است. حضور واژه‌های ترکی در کنار واژه‌های فارسی و عربی، بازتاب شرایط تاریخی روزگار نسوی و ارتباط گسترده این زبانها در عصر خوارزمشاهیان و حمله مغول است. از این رو، لایه واژگانی *نفثه‌المصدر* نه تنها ادامه‌دهنده سنت فارسی و عربی است، بلکه تأثیر زبان ترکی نیز در آن دیده می‌شود. از جمله «یورت» در «یورتگاه»، و «تاش» در «خواجه‌تاش». در کهنگرایی، میتوان واژه‌های فارسی کهن را به جای واژه‌های مرسوم در *نفثه‌المصدر* مشاهده کرد؛ از جمله «کار» در معنای «جنگ» (نسوی، ۱۳۴۳، ص ۳۷)، «آهنگ» در معنای «قصد» (همان، صص ۴۰-۴۱)، «خواست» در معنای ثروت (همان، ص ۱۱) و «فسوس» در معنای تمسخر (همان، ص ۱۰۵) که همگی به شیوه متون پیشین به کار رفته‌اند.

در کنار این واژه‌ها، کاربرد فراوان لغات عربی، مانند «سوء‌الحظ»، «نفثه‌المصدر»، «انین‌المهجو» و «غراب‌البین»، و نیز ترکیبات فارسی - عربی، مانند «بصرربا»، «عضب‌بار» و «خرطبع»، از دیگر ویژگی‌های واژگانی این اثر است.

برآیند یافته‌ها در این بخش

بررسی لایه واژگانی در *نفثه‌المصدر* نشان داد که نسوی، در عین بهره‌گیری از سنت نثر فنی قرن ششم و هفتم، با نوآوری در واژه‌سازی، ترکیب‌سازی و واژه‌گزینی، جایگاهی متمایز در این شیوه یافته و از منظر بینامتنیت

واژگانی، پیوندی آشکار با متون پیش و پس از خود برقرار کرده است (خاتمی، ۱۳۸۰: ۱۹-۲۰). مؤلف در لایه واژگانی نویسنده‌ای نوآور و فعال است و تنها سنتهای پیشین را نقل نمیکند. او از منابع عربی و نمونه‌های عربی متون فارسی پیشین تأثیر میگیرد، اما آنها را با شیوه بیان خود بازآفرینی میکند. مهمترین ویژگی نثر او، نوآوری در واژه‌سازی و ترکیب‌سازی است. واژه‌ها و ترکیبات عربی، فضای تاریخی و ابداعات توصیفی و تصویری، از برجسته‌ترین ویژگیهای سبک او به شمار میروند و در برخی متون پسین نیز بازتاب یافته‌اند. مطالعه نمونه‌های استخراج‌شده نشان میدهد که ساختهای واژگانی نسوی اغلب در چند الگوی اصلی شکل گرفته‌اند: ترکیبهای وصفی، ترکیبهای اضافی، ساختهای پیشوندی، ساختهای پسوندی، واژه‌های مرکب، صفت‌های مرکب، ساختهای عربی.

بررسی واژه‌ها و ترکیبهای لایه واژگانی *نقشه‌المصدر* نشان داد که آنها را میتوان بر پایه معیارهای بینامتنی در چهار گروه دسته‌بندی کرد: الف) تأثیرپذیری از پیشینیان: واژه‌ها و ترکیباتی که پیش از نسوی سابقه داشته و در *نقشه‌المصدر* استمرار یافته‌اند؛ ب) ابداع و انحصار به *نقشه‌المصدر*: واژه‌ها و ترکیباتی که تنها در *نقشه‌المصدر* ثبت شده‌اند یا پیشینه قابل توجهی ندارند؛ ج) بازسازی، بازآفرینی یا احیا: واژه‌ها و ترکیباتی که نسوی با تغییر در ساخت یا معنا، آنها را بازسازی یا احیا کرده است؛ د) تأثیرگذاری و انتقال به پسینیان: واژه‌ها و ترکیباتی که در متون پس از *نقشه‌المصدر* استمرار یافته یا احتمال انتقال آنها از طریق این اثر وجود دارد.

نتیجه‌گیری

پدیده‌های اقتباس، تأثیرپذیری، بازآفرینی و نوآوری در لایه واژگانی، از مهمترین جلوه‌های تعامل متون فارسی با یکدیگر به شمار میروند. نویسندگان و مؤلفان فارسی‌زبان، آگاهانه یا ناآگاهانه و به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم، در نگارش آثار خود، اعم از متون ادبی، فرهنگها و لغت‌نامه‌ها، از آثار پیشینیان بهره گرفته‌اند. در نتیجه پیوندی ناگسستنی میان متون متقدم و متأخر برقرار شده و این تعامل زبانی و مفهومی در طول تاریخ ادبیات فارسی تداوم یافته است. شهاب‌الدین زیدری نسوی نیز در اثر فاخر خود، *نقشه‌المصدر*، از این قاعده مستثنی نبوده است. او در این اثر بخشی از زبان و اصطلاحات گذشتگان را منتقل کرده و در عین حال، با بازآفرینی، احیا و آفرینش شماری از ساختهای واژگانی و ترکیبهای تازه، میان واژه‌ها و ترکیبات متون پیشین و متون پس از خود پیوند برقرار کرده است. از آنجاکه زیدری نسوی در تألیف خود از منابع گوناگون بهره برده و آثارش نیز مورد توجه نویسندگان پس از او قرار گرفته است، پژوهش حاضر کوشید با واکاوی دقیق داده‌های زبانی *نقشه‌المصدر* در مقایسه با متون پیش و پس از آن، مؤلفه‌های ارتباط بینامتنی این اثر را در لایه واژگانی و میزان تأثیرپذیری، بازآفرینی، ابداع و تأثیرگذاری آن را بررسی کند.

تحلیل تطبیقی و تاریخی واژه‌ها، ترکیبات و تعبیرات کم‌بسامد و شاذ در *نقشه‌المصدر* نشان داد که این اثر از نظر زبانی و سبکی، پیوندهنده میان متون متقدم و آثار متأخر است و در انتقال، تحول و تداوم برخی از عناصر واژگانی نقش میانجی دارد. بسیاری از ساختهای واژگانی و تعبیرهای این متن، پیشتر در آثار تاریخی و ادبی مؤلفانی چون بغدادی، جرفادقانی، ملطیوی و وراوینی دیده میشود و بعدها در نوشته‌های حافظ ابرو، جوینی، استرآبادی، همدانی و دیگر نویسندگان به صورت اقتباس، بازآفرینی یا با تحول ساختی و معنایی بازتاب یافته است. بررسی داده‌ها حاکی از آن است که نسوی نه تنها واژه‌ها و ترکیبات پیشینیان را منتقل کرده، بلکه با نوآوری در واژه‌سازی، ترکیب‌سازی، ایجاد معناهای تازه برای برخی واژه‌ها و احیای آنها، در تحول واژه‌های زبان فارسی نیز نقش داشته

است. روابط بینامتنی در *نقشه‌المصدر* هم انتقال یا تکرار واژه‌ها است و هم تأثیرپذیری، بازآفرینی، ابداع و تأثیرگذاری را نیز در بر می‌گیرد.

از منظر زبان‌شناسی تاریخی نیز، مسیر تحول واژه‌ها و اصطلاحات این اثر نشان می‌دهد که برخی از آنها پس از نسوی از رواج افتاده، برخی دیگر در متون متأخر استمرار یافته و شماری نیز تا زبان معاصر بازتاب یافته‌اند. این امر جایگاه *نقشه‌المصدر* را نه تنها به‌عنوان اثری ادبی، بلکه به‌عنوان منبعی ارزشمند برای مطالعات واژه‌شناسی، تاریخ زبان فارسی و سبک‌شناسی تاریخی تثبیت می‌کند. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که شهاب‌الدین نسوی با تکیه بر مهارت در واژه‌گزینی، ترکیب‌سازی، نوآوری زبانی و بهره‌گیری هوشمندانه از منابع تاریخی و ادبی، ضمن تداوم سنت نثر فنی فارسی، سهمی مؤثر در تحول واژه‌ها و ترکیب‌های فارسی داشته است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله‌ دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) استخراج شده است. سرکار خانم دکتر زهره نورایی‌نیا راهنمایی رساله را بر عهده داشته و نویسنده مسئول بوده‌اند. سرکار خانم دکتر مریم یوزباشی، راهنمای دوم رساله و سرکار خانم دکتر خدیجه بهرامی رهنما مشاور رساله و دانشجو زهرا اکبرپور بقایی، در مقام پژوهشگران این مقاله، در گردآوری و تنظیم پژوهش حاضر نقش داشته‌اند. درنهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر چهار پژوهشگر است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب سپاس و قدردانی خویش را از گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) و نیز سردبیر و مسئولان فرهیخته نشریه سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، به‌ویژه استاد ارجمند، جناب آقای دکتر امید مجد اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکرشده را بر عهده می‌گیرند.

REFERENCES

- Allen, Graham. (2013). *Beynamatniyat*. Translated by Payam Yazdanjou. 4th ed. Tehran: Markaz.
- Ahmadi, Babak. (1991). *Sakhtar va Ta'vil-e Matn*. 1st ed. Tehran: Markaz.
- Anvari, Hasan. (2002). *Farhang-e Bozorg-e Sokhan*. 1st ed. Tehran: Sokhan.
- Bahar, Mohammad Taqi. (1970). *Sabk-shenasi*. Vol. 3. 3rd ed. Tehran: Amir Kabir.
- Khatami, Ahmad. (2001). *Sharh-e Moshkelat-e Tarikh-e Jahan-Goshay-e Joveyni*. 2nd ed. Tehran: Paya.
- Dehkoda, Ali Akbar. (1999). *Loghatnameh-ye Dekhoda*. 2nd ed. Tehran: Mo'asseseh-ye Loghatnameh-ye Dekhoda.
- Zakeri Kish, Omid et al. (2014). "A Structural Analysis of Lyric Language (with Emphasis on Nafsat al-Masdour)". *Jostarhaye Zabani*. Vol. 5. Issue 2 (Serial 18). pp. 111-138.
- Zabihi, Sara and Khazanehdarloo, Mohammad Ali. (2022). "A Critique and Pathology of the Research History of Nafsat al-Masdour (up to the End of the Solar Year 1399)".

- Pazhouheshnameh-ye Enteghadi-ye Motun va Barnamehaye Oloum-e Ensani. Vol. 22. Issue 10. pp. 147–183.
- Saussure, Ferdinand de. (2003). *Doreh-ye Zaban-shenasi-ye Omoomi*. Translated by Kourosh Safavi. 2nd ed. Tehran: Hermes.
- Shamisa, Sirus. (2008). *Sabk-shenasi-ye Nasr*. 12th ed. Tehran: Mitra.
- Safavi, Kourosh. (1981). *Daramadi bar Zaban-shenasi*. Tehran: Bongah-e Tarjomeh va Nashr-e Ketab.
- Safavi, Kourosh. (2011). *Az Zaban-shenasi be Adabiyat*. Vol. 1. 3rd ed. Tehran: Soureh Mehr.
- Sahba, Forough. (2005). "Lexical Archaism in Akhavan's Poetry". *Pazhouhesh-e Zaban va Adabiyat-e Farsi*. New Series. Issue 5. pp. 41–64.
- Enayati, Saba. (2018). "Semantic Changes of Several Words in Tarikh-e Beyhaqi". *Rokhsar-e Zaban*. Issue 5. pp. 65–82.
- Fazeli, Firouz and Yaseri, Hossein. (2017). "Simile with Emphasis on the Relationship between Poeticity and Form in Nafsat al-Masdour". *Matn-shenasi-ye Adab-e Farsi*. Vol. 9. Issue 1 (Serial 33). pp. 73–90.
- Fotouhi, Mahmoud. (2011). *Sabk-shenasi: Nazariyeha, Rouykardha va Roushha*. Tehran: Sokhan.
- Namvar Motlagh, Bahman. (2007). "Transtextuality: Studying the Relationship of a Text with Other Texts". *Pazhouheshnameh-ye Oloum-e Ensani*. Issue 56. pp. 83–98.
- Nasavi (Kharandez Zeydari), Shahab al-Din Mohammad. (1964). *Nafsat al-Masdour*. Edited by Amirhasan Yazdgerdi. Tehran: Edareh-ye Koll-e Negaresh-e Vezarat-e Amouzesh va Parvaresh.

فهرست منابع فارسی

- آلن، گراهام (۱۳۹۲). *بینامتنیت*. ترجمه پیام یزدانجو. چاپ چهارم. تهران: مرکز.
- احمدی، بابک. (۱۳۷۰). *ساختار و تأویل متن*. چاپ اول. تهران: نشر مرکز.
- انوری، حسن. (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*. چاپ اول. تهران: سخن.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۴۹). *سبک‌شناسی*. جلد ۳. چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
- خاتمی، احمد. (۱۳۸۰). *شرح مشکلات تاریخ جهانگشای جوینی*. چاپ دوم. تهران: پایا.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغتنامه دهخدا*. چاپ دوم. تهران: مؤسسه لغتنامه دهخدا.
- ذاکری کیش، امید و دیگران (۱۳۹۳). «تحلیل ساختاری زبان غنایی (با تکیه بر نفثه‌المصدر)». *جستارهای زبانی، دوره پنجم، شماره ۲ (پیاپی ۱۸)، صص ۱۱۱–۱۳۸*.
- ذبیحی، سارا و خزانه‌دارلو، محمدعلی (۱۴۰۱). «نقد و آسیب‌شناسی کارنامه نفثه‌المصدر پژوهی (تا پایان سال ۱۳۹۹ شمسی)». *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، دوره ۲۲، شماره ۱۰، صص ۱۸۳–۱۴۷*.
- سوسور، فردینان دو. (۱۳۸۲). *دوره زبان‌شناسی عمومی*. ترجمه کورش صفوی. چاپ دوم. تهران: هرمس.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۷). *سبک‌شناسی*. نشر. چاپ دوازدهم. تهران: میترا.
- صفوی، کورش. (۱۳۶۰). *درآمدی بر زبان‌شناسی*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- صفوی، کورش. (۱۳۹۰). *از زبان‌شناسی به ادبیات*. جلد ۱، چاپ سوم. تهران: سوره مهر.
- صهبا، فروغ. (۱۳۸۴). «کهنگرایی واژگانی در شعر/خوان». *پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دوره جدید، شماره ۵، صص ۴۱–۶۴*.

عنایتی، صبا. (۱۳۹۷). «بررسی تغییرات معنایی چند واژه از تاریخ بیهقی». رخسار زبان، شماره ۵، صص ۸۲-۶۵.
فاضلی، فیروز و یاسری، حسین. (۱۳۹۶). «تشبیه با تکیه بر پیوند شاعرانگی و فرم در نفثه‌المصدر». متن‌شناسی
ادب فارسی، دوره نهم، شماره ۱ (پیاپی ۳۳)، صص ۹۰-۷۳.
فتوحی، محمود. (۱۳۹۰). سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روشها. تهران: سخن.
نامورمطلق، بهمن. (۱۳۸۶). «ترامتنیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متنها». پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۶،
صص ۹۸-۸۳.
نسوی (خرندزی زیدری)، شهاب‌الدین محمد. (۱۳۴۳). نفثه‌المصدر. به کوشش امیرحسین یزدگردی. تهران: اداره
کل نگارش وزارت آموزش و پرورش.

معرفی نویسندگان

زهره اکبرپور بقایی: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول: Email: z.akbarpourbaghaei@iau.ac.ir)
(ORCID: 0009-0000-8183-3554)
زهره نورائی‌نیا: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: z.noorae@iau.ac.ir)
(ORCID: 0000-0001-8983-3751)
مریم یوزباشی: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: Youzباشi.maryam@iau.ac.ir)
(ORCID: 0000-0003-0728-1987)
خدیجه بهرامی رهنما: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: Kh.bahramirahnama@iau.ac.ir)
(ORCID: 0009-0005-7758-4424)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Zahra Akbarpour Baghaei: Department of Persian Language and Literature, Y.I.C, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(Email: z.akbarpourbaghaei@iau.ac.ir)
(ORCID: 0009-0000-8183-3554)
Zohreh Nouraeinia: Department of Persian Language and Literature, Y.I.C, Islamic Azad University, Tehran, Iran
(Email: z.noorae@iau.ac.ir)
(ORCID: 0000-0001-8983-3751 : Responsible author)
Maryam Yozbashi: Department of Persian Language and Literature, Y.I.C, Islamic Azad University, Tehran, Iran
(Email: Youzباشi.maryam@iau.ac.ir)
(ORCID: 0000-0003-0728-1987)
Khadija Bahrami Rahnama: Department of Persian Language and Literature, Y.I.C, Islamic Azad University, Tehran, Iran
(Email: Kh.bahramirahnama@iau.ac.ir)
(ORCID: 0009-0005-7758-4424)